

بررسی رفتارهای قلدرانه بر اساس سبک‌های فرزندپروری و دلبستگی: یک مطالعه مروری Bullying Behaviors Based on Parenting and Attachment Styles: A Review Study

Vahid Hajjaliliani*

PhD Candidate in Clinical Psychology, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Kharazmi University, Tehran, Iran.

Dr. Robabeh Nouri

Associate Professor, Department of Clinical Psychology, Faculty of Psychology and Educational Sciences, University of Kharazmi, Tehran, Iran.

nouri@khu.ac.ir

وحید حاجی علیانی

دانشجوی دکتری روانشناسی بالینی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

دکتر ربابه نوری (نویسنده مسئول)

دانشیار گروه روانشناسی بالینی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

Abstract

Bullying is a pervasive experience for all children and adolescents that can result from personal, family, school, and wider environments. In this way, the role of family and others is very important. In this regard, the present review study was conducted to investigate bullying behaviors based on parenting styles and attachment. In this study, published articles on bullying behaviors in children and adolescents from 2008 to 2020 were reviewed. In order to obtain related scientific documents, the keywords of Bullying Behaviors, Parenting Styles, Attachment Styles in the title and abstract of articles published in reputable domestic and international scientific databases such as SID, Magiran, Google Scholar, PubMed, Scopus And ScienceDirect was searched and all related Persian and English articles were listed. Out of 764 related articles published by 2020, 33 qualified Persian and English articles were reviewed. The results of the studies indicated the role of parenting styles and attachment in the occurrence of bullying behaviors. Based on this, it was found that adolescents who had an ambivalent and avoidant insecure attachment style showed more bullying behaviors. Also, authoritarian and permissive parenting style was recognized as one of the important factors in creating bullying behaviors in adolescents. Based on the results of the present study, it is especially important to pay attention to the factors related to parenting style and attachment to prevent bullying behaviors.

Keywords: Bullying Behavior, Parenting Style, Attachment Style, Review.

چکیده

قلدری تجربه‌ای فراگیر برای تمام کودکان و نوجوانان شناخته می‌شود که می‌تواند ناشی از متغیرهای شخصی، خانوادگی، مدرسه‌ای و محیط‌های گسترده باشد. در این مسیر نقش خانواده و اطرافیان بسیار مهم است. در همین راستا، پژوهش مروری حاضر با هدف بررسی رفتارهای قلدرانه بر اساس سبک‌های فرزندپروری و دلبستگی انجام شد. در این مطالعه، مقالات منتشر شده پیرامون رفتارهای قلدرانه در کودکان و نوجوانان در طی سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۲۰ مورد بررسی قرار گرفتند. به منظور دستیابی به مستندات علمی مرتبط کلید واژه‌های Bullying Behaviors, Parenting Styles, Attachment Styles در عنوان و چکیده مقالات منتشر شده در پایگاه‌های علمی معتبر داخلی و بین‌المللی نظیر SID, Magiran, Google Scholar, PubMed, Scopus, ScienceDirect مورد جستجو قرار گرفت و کلیه مقالات فارسی و انگلیسی مرتبط فهرست شدند. از مجموع ۷۶۴ مقاله مرتبط منتشر شده تا سال ۲۰۲۰، ۳۳ مقاله فارسی و انگلیسی واجد شرایط مرور شدند. نتایج مطالعات بررسی شده حاکی از نقش سبک‌های فرزندپروری و دلبستگی در بروز رفتارهای قلدرانه داشت. براین اساس مشخص گردید نوجوانانی که دارای سبک دلبستگی نایمن دوسوگرا و اجتنابی بودند، رفتارهای قلدرانه بیشتری از خود نشان می‌دهند. همچنین سبک فرزندپروری مستبدانه و سهل‌گیرانه یکی از عوامل مهم ایجاد رفتارهای قلدرانه نوجوانان شناخته شد. بر اساس نتایج پژوهش حاضر، توجه به عوامل مرتبط با سبک فرزندپروری و دلبستگی برای جلوگیری از رفتارهای قلدرانه اهمیت ویژه‌ای دارد.

واژه‌های کلیدی: رفتار قلدرانه، سبک فرزندپروری، سبک دلبستگی، مروری.

قلدری به عنوان یک رفتار، کلام و حرکت آزاردهنده تعریف می‌گردد که موجب ترس، وحشت، پریشانی و آسیب جسمی و روانی فرد قربانی می‌شود (ریگی، ۲۰۱۳). بحث در مورد چگونگی تعریف در ست مفهوم قلدری یک مشکل چندین ساله در این رابطه است. بدین معنا که تعریف کاملاً مشخصی در این رابطه وجود ندارد. پژوهش‌های ماندرو و کرافتر^۳ (۲۰۱۸) و ماندرو، هاروپ و تاتر سال^۴ (۲۰۱۰) نشان‌دهنده وجود تفاوت در ادراک مفهوم قلدری است. همچنین مطالعات انجام شده نقش فرهنگ، جنسیت و سن را هم در چگونگی تعریف رفتارهای قلدرانه نشان می‌دهند (وولک، شیرالی، ژیا، ژو و دانه، ۲۰۱۸). در واقع قلدری رفتار پیچیده‌ای است که برای تبیین آن به درک دقیق پویایی اجتماعی، گروه‌های همسن و مدارس نیاز است (رودکین، اسپلاگه و هانیش، ۲۰۱۵). به صورت کلی می‌توان اذعان داشت قلدری در متون علمی و آموزشی به صورت رفتارهای مکرر پرخاشگرایانه با هدف آسیب به فردی که قدرت کمتری دارد، تعریف می‌گردد که سه مشخصه ارادی بودن رفتار، نابرابری قدرت و تکرار عمل را شامل می‌شود (سالمون، ترنر، تیلیو، فورتر و عفیفی، ۲۰۱۸). ولک، دین و مارینی^۵ (۲۰۱۴) بیان می‌کنند قلدری رفتار پرخاشگرایانه و هدفدار است که شخص دیگری را در معرض اختلاف قدرت قرار می‌دهد.

قلدری می‌تواند ابعاد مختلفی همچون فیزیکی، کلامی، رابطه‌ای، مجازی و مبتنی بر فرهنگ^۶ را شامل شود. قلدری جسمی خشونت‌های جسمانی مانند هل دادن و لگد زدن تعریف می‌شود. اسم نامناسب گذاشتن و حرف زدن نیش‌دار آزاردهنده از مشخصه‌های قلدری کلامی است (ریگی و اسمیت، ۲۰۱۱). قلدری رابطه‌ای هم به صورت آسیب به عزت نفس و وضعیت اجتماعی مشخص می‌شود (مارنگو، فابریس، پرینو، ستانی و لونگوباردی، ۲۰۲۱). قلدری مجازی اقدام عمدی و تهاجمی یک فرد یا گروهی افراد با استفاده از وسایل الکترونیکی ارتباطی نسبت به قربانی که به راحتی قادر به دفاع از خود نیست، شناخته می‌شود (وانگ و همکاران، ۲۰۲۰). همچنین قلدری مبتنی بر فرهنگ نوع دیگری از قلدری است که ناشی از تفاوت‌های فرهنگی، دینی، زبانی و ملی است که در رابطه با دانش‌آموزان مهاجر و کلاس‌های ناهمگن قومی به وضوح دیده می‌شود (مالکی، دمارای، اسمیت و ایمونس، ۲۰۲۰).

قلدری در حال تبدیل شدن به یک نگرانی جهانی^۷ است که به صورت فزاینده‌ای توجه دولت و عموم مردم را به خود جلب کرده است و سالانه میلیون‌ها نفر از تمامی فرهنگ‌ها را در حوزه‌های اجتماعی مختلف تحت تاثیر قرار می‌دهد (ولک، ونسترا و اسپلاگه، ۲۰۱۷). الگار و همکاران (۲۰۱۵) طی پژوهش‌هایی که روی جوانان و نوجوانان ۷۹ کشور انجام دادند شیوع رفتارهای قلدرانه را به طور میانگین ۳۰٪ بیان می‌کنند. قلدری پیامدهای گوناگونی را برای مرتکبین، شاهدین و قربانیان این رفتار به همراه دارد تا جایی که قربانیان، قلدرها و شاهدین همگی از رفتارهای قلدرانه تاثیرات منفی زیادی می‌پذیرند (والترز و اسپلاگه، ۲۰۱۸). نتایج مقاله مروری

-
- 1 Bullying
 - 2 Bully
 - 3 Minder & Crafter
 - 4 Minder, Harrop & Tattersal
 - 5 Vik, Schiralli, Xia, Zhao & Dane
 - 6 Rodkin, Espelage & Hanish
 - 7 Silmon, Turner, Taillieu, Fortier & Afifi
 - 8 Vik, Dane & Marini
 - 9 Culture-based
 - 1 Bully & Smith 0
 - 1 Mengo, Fabris, Prino, Settanni & Longobardi
 - 1 Wang 2
 - 1 Mecki, Demaray, Smith & Emmons 3
 - 1 Global Concern 4
 - 1 Vik, Veenstra & Espelage 5
 - 1 Edgar 6
 - 1 Walters & Espelage 7

مور^۱ و همکاران (۲۰۱۷) نشان داد افرادی که تحت رفتارهای قلدرانه قرار می‌گیرند بیشتر در خطر ابتلا به افسردگی، اضطراب و خودکشی هستند و گرایش بیشتری به مواد مخدر پیدا می‌کنند.

خانواده اولین و مهم‌ترین پایگاه اجتماعی است که در تربیت، اجتماعی کردن و آموزش فرزندان نقش دارد (گومز-اورتیز، دلری، کاساس و اورتگاریز، ۲۰۱۴). شواهد محکمی وجود دارد که سبک‌های فرزندپروری منجر به تحکیم خانواده در برابر قلدری و تجارب بزه‌دیدگی می‌شود (جئورجیو، اینانو و استاورینیدس، ۲۰۱۷؛ فوسیانی، دیمیتروپولو، میچالیدس و ون‌پیتگیم، ۲۰۱۶). سبک‌های فرزندپروری توسط بامریند^۲ (۱۹۹۱) مطرح شده است که با سه سبک مستبدانه، مقتدرانه^۳ و سهل‌گیرانه^۴ مشخص می‌گردد. والدینی که از سبک مستبدانه استفاده می‌کنند دارای رفتارهای سرد، خشن و بی‌اعتنا هستند که کنترل زیادی روی رفتارهای فرزند خود دارند. این خانواده‌ها بسیار رفتارهای سلطه‌جویانه دارند و همیشه دنبال افزایش قدرت و تسلط خود در خانواده هستند (راجندران، کراسو سکی و هالپرین، ۲۰۱۶). همین باعث می‌گردد فرزندان این افراد مضطرب، گوشه‌گیر، خشن و غمگین باشند و دنبال فرصتی هستند تا خشم و نفرتی که نسبت به والدین ظالم خود دارند را خالی کنند. به همین دلیل می‌توان انتظار داشت در دوران نوجوانی و بلوغ رفتارهای پرخاشگرانه و قلدرانه از این افراد به خصوص پسران بروز داده شود (فرزادی، بهروزی و شهنی ییلاق، ۱۳۹۵). در مقابل والدین دارای سبک فرزندپروری مقتدرانه تلاش می‌کنند با برقراری یک رابطه گرم و سازنده با فرزندانشان تعامل کنند (کرزو، رویز استیبیان، لاکاسا و گونزالو، ۲۰۱۸). در این سبک والدین از فرزندان شان انتظار رفتار مناسب و عاقلانه دارند؛ در همین راه‌های رسیدن به موفقیت و رفتار مناسب را نیز به آنها آموزش می‌دهند. سبک مقتدرانه فرصتی را در اختیار فرزندان قرار می‌دهد تا خواسته‌ها و نظراتشان را بیان کنند. همین موضوع باعث می‌شود در تصمیم‌های خانواده دخیل باشند و بکوشند بهترین عملکرد را از خود به نمایش بگذارند تا اعتماد والدین را جلب نمایند (چارالاموس^۵ و همکاران، ۲۰۱۸). سبک سهل‌گیرانه به فرزندان اجازه می‌دهد تا تمام تصمیمات مهم زندگی را خودشان اتخاذ نمایند. در واقع یک آزادی گسترده وجود دارد که در آن نوجوان هرکاری که دلش بخواهد را انجام می‌دهد بدون اینکه بخواهد با والدین و اطرافیان خود مشورت کند (مارتینز، مورگوی، گارسیا و گارسیا، ۲۰۱۹). والدین سهل‌گیر در ظاهر بسیار مهربان و پذیرا هستند اما در واقع پختگی و آمادگی لازم را برای اداره خانواده و تربیت فرزندان ندارند. اینگونه سبک تربیتی منجر به ایجاد رفتارهای خلاف عرف خانواده و جامعه می‌شود (اصلان، ۲۰۱۱). همچنین انتظار می‌رود بسیاری از این کودکان در بزرگسالی آسیب‌پذیرتر باشند (جئورجیو و همکاران، ۲۰۱۸). در این راستا، وکوما و اودوچوکو^۶ (۲۰۲۰) در مطالعه‌ای نشان دادند در خانواده‌های طلاق و چندهمسری و همچنین در خانواده‌هایی با سبک فرزندپروری مستبدانه، رفتارهای قلدرانه و پرخاشگرانه بیشتری دیده می‌شود. سبک‌های دلبستگی^۷ یکی از مهمترین متغیرهایی است که با رفتارهای قلدرانه و قربانی شدن در ارتباط است (نیکر سون، ملی و پرینکیوتا، ۲۰۰۸). بالبی^۸ (۱۹۷۹) به عنوان نخستین نظریه‌پرداز در زمینه دلبستگی شناخته می‌شود که معتقد است دلبستگی به معنای ارتباطات روانی ثابت بین دو فرد است. در واقع، دلبستگی به عنوان یک ارتباط عمیق بین کودک و والدینش در سال‌های اول

1 More

2 Gmez-Ortiz, Del Rey, Casas & Ortega-Ruiz

3 Gorgiou, Ioannou & Stavrinides

4 Fousiani, Dimitropoulou, Michaelides & Van Petegem

5 Bumrind

6 Authoritarian parenting style

7 Authoritative parenting style

8 Permissive parenting style

9 Rajendran, Kruszewski & Halperin

1 Gmez, Ruiz-Esteban, Lacasa & Gonzalo

1 Garalampous

1 Mtnez, Murgui, Garcia & Garcia

1 Alan

1 Wkoma & Udochukwu

1 Attachment Styles

1 Nkerson, Mele & Princiotta

1 Bowlby

Bullying Behaviors Based on Parenting and Attachment Styles: A Review Study

زندگی تلقی می‌شود. نوع رابطه مراقب با کودک در سال‌های اولیه زندگی، میزان حمایت مادر در هنگام خطر، قابلیت دسترسی مراقب و حساسیت مراقب نسبت به کودک، سبک دلبستگی شخص را تعیین می‌کند (اکبری بلوطبنگان و همکاران، ۱۳۹۸). سبک‌های دلبستگی شامل سه سطح ایمن، نایمن اجتنابی و نایمن دوسوگرا است (بابایی، فتحی و بابایی، ۱۳۹۲). در سبک دلبستگی ایمن شخص با اطرافیان رابطه دوستانه و همدلانه برقرار می‌کند که باعث می‌گردد نسبت به دیگران خشم و نفرت نداشته باشد از آن طرف نیز مورد آزار و اذیت کلامی و جسمانی اطرافیان خود قرار نمی‌گیرد (نیکر سون و همکاران، ۲۰۰۸). در مقابل افرادی که دارای سبک‌های دلبستگی نایمن اجتنابی و نایمن دوسوگرا هستند از پرخاشگری و رفتارهای ضداجتماعی بیشتری برخوردارند و دائماً به دنبال درگیری و رفتارهای قلدرانه هستند (رضایی جمالویی، حسنی و نورمحمدی، ۱۳۹۸). در واقع این افراد دارای سطوح بالایی از تعارضات و مشکلات رفتاری‌اند که منجر به کاهش صمیمیت و همدلی در قبال اطرافیان‌شان می‌گردد (واندرووات، ۲۰۱۴). در همین راستا، پژوهش ایگوندوناسی و انوزی^۲ (۲۰۱۸) و هود، جکوبسون و جکوبسون^۳ (۲۰۱۷) ارتباط سبک دلبستگی دوسوگرا با رفتارهای قلدرانه را نشان داده‌اند. کوکینوس^۴ (۲۰۱۳) در پژوهشی نشان دادند افرادی دارای سبک دلبستگی نایمن و دوسوگرا و سبک فرزندپروری مستبدانه ظرفیت تبدیل شدن به قلدر را داشتند.

به صورت کلی می‌توان ادعان داشت خانواده و نوع سبک فرزندپروری و دلبستگی که در کودک و نوجوان ایجاد می‌کند پایه و اساس رفتارهای آینده وی را مشخص می‌کند. به عبارتی دیگر، خانواده به عنوان مهم‌ترین نهاد اجتماعی کودک نقش بسزایی در شکل‌گیری شخصیت و منش فرد ایفا می‌کند. در همین راستا، پژوهش حاضر به مرور مطالعات انجام شده در زمینه ارتباط سبک‌های فرزندپروری و دلبستگی در بروز رفتارهای قلدرانه پرداخت.

روش

مطالعه حاضر یک پژوهش مروری نظام‌مند است که در آن مقالات نمایه شده در پایگاه‌های اطلاعاتی انگلیسی نظیر Google Scholar، PubMed، ScienceDirect، Scopus و پایگاه اطلاعاتی علمی جهاد دانشگاهی (SID)، بانک اطلاعات نشریات کشور (Magiran) و بانک اطلاعات مقالات علوم پزشکی ایران در بازه زمانی ۲۰۰۸ تا ۲۰۲۰ مورد جستجو قرار گرفتند. پژوهشگران در این مطالعه با استفاده از کلیدواژه‌های تعیین شده، مقالات معتبر فارسی و انگلیسی را از منابع معتبر الکترونیک استخراج نموده و با بررسی متون کامل این مقالات، داده‌های حاصل را به صورت دسته‌بندی شده توصیف نمودند. ابتدا جستجو با استفاده از کلیدواژه‌های Bullying Behaviors, Parenting Styles, Attachment Styles انجام شد. در پایگاه‌های اطلاعاتی فارسی کلیدواژه‌های رفتارهای قلدرانه، سبک‌های دلبستگی و سبک‌های فرزندپروری جستجو شدند. سپس موارد غیرمربوط و تکراری حذف شدند. در مرحله بعد متون کامل مقالات باقی مانده مورد بررسی قرار گرفته و پس از حذف موارد غیرمربوط، نتایج مربوط به مقالات منتخب در مرحله نهایی، دسته‌بندی شده و مورد بررسی قرار گرفتند. مقالات پژوهشی به صورت هدفمند بر اساس معیارهای ورود به پژوهش (مرتبط بودن با هدف پژوهش، برخورداری از چهارچوب ساختاریافته پژوهشی، تمام متن بودن مقاله و انتشار در مجله معتبر) برای بررسی انتخاب شدند. کیفیت مقالات با استفاده از چک لیست بررسی مقالات شامل تطابق ساختار مقاله با نوع پژوهش، هدف پژوهش، جامعه پژوهش، فرایند انتخاب نمونه، ابزارهای گردآوری اطلاعات، تحلیل داده‌ها با استفاده از آزمون‌های آماری مرتبط و متناسب با اهداف، مشخص بودن معیارهای ورود و خروج، رعایت اخلاق در پژوهش، ارائه یافته‌ها متناسب با اهداف پژوهش و بحث در مورد یافته‌ها با استناد به نتایج پژوهش‌های مرتبط بررسی شد. ارزیابی کیفیت مقالات با استفاده از معیارهای ارائه شده توسط گیفورد، دیویس، ادواردز، گریفین و لیبانون^۵ (۲۰۰۷) انجام گرفت. بر اساس معیارهای ارائه شده برای مطالعات کمی (۶ معیار)، کیفی (۱۱ معیار)، نیمه تجربی (۸ معیار) و تجربی (۷ معیار) مقالات در یک مقیاس دو امتیازی (صفر و یک) ارزیابی شدند. نقطه برش برای حذف مقالات کمی امتیاز ۴ و کمتر، برای مطالعات تجربی و نیمه تجربی امتیاز ۶ و

1 Vander Watt

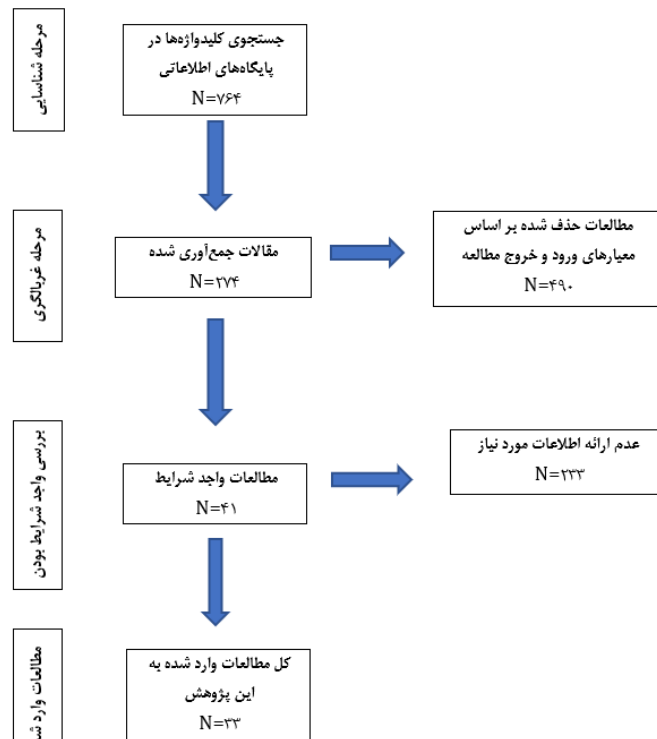
2 Lundunasse & Anozie

3 Hod, Jacobson & Jacobson

4 Kkkinos

5 Gfford, Davies, Edwards, Griffin & Lybanon

کمتر، برای مطالعات کیفی نیز امتیاز ۸ و کمتر بود. در انتها بعد از بررسی و ارزیابی‌های صورت گرفته ۳۳ مقاله منتخب در مرور باقی ماندند (نمودار ۱).



نمودار ۱: چک لیست Prisma برای انتخاب مطالعات

یافته‌ها

در این پژوهش، تعداد ۳۳ مقاله پژوهشی واجد شرایط زبان فارسی و انگلیسی مورد بررسی قرار گرفتند. در ادامه یافته‌های حاصل از مقالات مرور شده در زمینه بررسی رفتارهای قلدرانه با سبک‌های فرزندپروری و دل‌بستگی ارائه می‌شود (جدول ۱).

جدول ۱. مشخصات مقالات مرور شده مرتبط با سبک‌های فرزندپروری، دل‌بستگی و رفتارهای قلدرانه

محقق و سال	عنوان پژوهش	روش	نوع مطالعه	یافته اصلی پژوهش
۱ نیکرسون و همکاران (۲۰۰۸)	ارتباط دل‌بستگی و همدلی با رفتارهای قلدرانه	۱۰۵ دانش‌آموز	کمی	دل‌بستگی و همدلی در وقوع رفتارهای قلدرانه نقش بسزایی ایفا می‌کنند. نوجوانانی که دل‌بستگی ایمن ندارند بیشتر به سمت رفتارهای ضداجتماعی و پرخاشگرانه کشیده می‌شوند.
۲ اصلان (۲۰۱۱)	ارتباط قلدری، سبک‌های فرزندپروری و عزت نفس	۳۴۸ دانش‌آموز	کمی	بین سبک مقتدرانه و عزت نفس با رفتارهای قلدرانه همبستگی منفی وجود دارد. همچنین سبک مستبدانه باعث ایجاد قلدری در نوجوانان می‌گردد.

Bullying Behaviors Based on Parenting and Attachment Styles: A Review Study

۳	لیریا و همکاران (۲۰۱۳)	رفتارهای والدین و خطر تبدیل شدن به یک قلدر و قربانی	۷۰ مقاله مروری	نتایج حاکی از نقش چشمگیر رفتارهای والدین در قلدری افراد داشت. به طوری که هرچقدر دارای سبک سهل‌گیرانه باشند فرد بیشتر قربانی قلدری می‌شود و اگر مستبدانه باشد دچار رفتارهای قلدرانه در آینده می‌گردد.
۴	کوکینوس (۲۰۱۳)	ارتباط سبک دلبستگی و فرزندپروری با قلدری و قربانی شدن	۶۰۱ دانش‌آموز کمی	بین سبک‌های دلبستگی و فرزندپروری با قلدری و قربانی شدن ارتباط معناداری وجود دارد. افرادی دارای سبک دلبستگی نایمن و دوسوگرا و سبک فرزندپروری مستبدانه بودند ظرفیت تبدیل شدن به قلدر را داشتند.
۵	گو-مز-اور تیز و همکاران (۲۰۱۴)	نقش سبک‌های فرزندپروری در بروز رفتارهای قلدرانه	۶۲۶ دانش‌آموز کمی	بررسی‌های حاکی از نقش سبک‌های سهل‌گیرانه و مستبدانه در بروز رفتارهای قلدرانه نوجوانان بود.
۶	واندرووات (۲۰۱۴)	نقش سبک‌های دلبستگی و فرزندپروری در بروز قلدری	مقالات ۱۰ سال اخیر مروری	نتایج حاکی از نقش سبک‌های دلبستگی و فرزندپروری در بروز رفتارهای قلدری در سنین بلوغ داشت. افرادی که سبک دلبستگی نایمن داشتند رفتارهای قلدرانه بیشتری نشان می‌دادند.
۷	بابایی و همکاران (۱۳۹۲)	شیوه‌های فرزندپروری، سبک‌های دلبستگی در پیش‌بینی بزهکاری	۱۲۸ نفر کمی	بزهکاری در نوجوانان را می‌توان بر اساس شیوه‌های فرزندپروری، ساختار تعاملات خانواده و سبک‌های دلبستگی به مادر پیش‌بینی نمود.
۸	بیرامی و علائی (۱۳۹۲)	قلدری در مدارس راهنمایی دخترانه: نقش شیوه‌های فرزندپروری و ادراک از محیط عاطفی خانواده	۳۸۷ دانش‌آموز و ۱۴۷ مادر کمی	قلدری و اشکال سنتی و سایبری آن با شیوه فرزندپروری مستبدانه مادر و شیوه‌ی فرزندپروری ادراک شده‌ی مستبدانه و کناره‌گیر، رابطه مثبت داشت. این رابطه با شیوه ادراک شده مقتدارانه منفی بود. همچنین، محیط عاطفی خانواده با قلدری و انواع آن رابطه داشته و بعد محبت نسبت به بعد کنترل متغیر پیش‌بین قوی-تری بود.
۹	گو-مز-اور تینا و همکاران (۲۰۱۵)	بررسی سبک‌های فرزندپروری و قلدری: نقش میانجی پرخاشگری و تنبیه بدنی	۲۰۶۰ دانش‌آموز کمی	والدینی که از پرخاشگری و تنبیه بدنی استفاده می‌کنند فرزندانشان رفتارهای قلدری بیشتری نشان می‌دهند. همچنین سبک فرزندپروری مستبدانه منجر به بروز پرخاشگری و رفتار قلدری می‌گردد.
۱۰	حسن و ای (۲۰۱۵)	ارتباط رفتارهای قلدرانه و سبک‌های فرزندپروری	۲۷۰ دانش‌آموز کمی	نوجوانان پرخاشگری کلامی دارند و پسران بیشتر قلدری کلامی و جسمی نشان می‌دهند. همچنین والدینی که سبک مستبدانه دارند باعث ایجاد قلدری در نوجوانان می‌شوند.
۱۱	بدری و همکاران (۱۳۹۴)	دلبستگی و شدت خشم در نوجوانان قلدر و قربانی	۲۰۰ دختر و پسر کمی	بین دانش‌آموزان قلدر و قربانی در بین مؤلفه‌های خشم و ابعاد سبک دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا تفاوت معناداری وجود دارد.

۱۲	گل‌پرور و خبازیان (۱۳۹۴)	رابطه شخصیت خودشیفته و دلبستگی آسیب-پذیر با قلدری و سرمایه روانشناختی	۳۴۵ نفر	کمی	دلبستگی آسیب‌پذیر با زورگویی دارای رابطه مستقیم و معنادار و زورگویی همراه با شخصیت خودشیفته با سرمایه روان‌شناختی دارای رابطه مستقیم و معنادار هستند. همچنین زورگویی متغیر واسطه‌ای کامل در رابطه دلبستگی آسیب‌پذیر با سرمایه روان‌شناختی است.
۱۳	فوسیانی و همکاران (۲۰۱۶)	بررسی سبک‌های فرزندپروری و قلدری اینترنتی نوجوانان	۵۴۸ دانش‌آموز	کمی	رفتارهای والدین یک پیش‌بینی‌کننده قوی رفتارهای قلدری اینترنتی است. والدینی که سبک مستبدانه و سهل‌گیرانه اتخاذ می‌کنند باعث ایجاد رفتارهای قلدری اینترنتی و مجازی در نوجوان می‌شوند.
۱۴	راجندران و همکاران (۲۰۱۶)	تاثیر سبک فرزندپروری بر قلدری کودکان	۱۶۲ کودک	کمی	والدینی که طی سنین ۴-۵ سالگی از کودکانشان حمایت عاطفی می‌کنند و دارای سبک مقتدرانه هستند؛ باعث کاهش رفتارهای قلدرانه در این کودکان می‌شوند.
۱۵	فرزادی و همکاران (۱۳۹۵)	رابطه علی بین شیوه‌های فرزندپروری، سبک‌های دلبستگی و بی‌انضباطی	۴۴۰ دانش‌آموز	کمی	شیوه‌های فرزندپروری و سبک‌های دلبستگی علاوه بر اثر مستقیم بر بی‌انضباطی، از طریق متغیرهای میانجی خودتنظیمی هیجانی و مهارت‌های اجتماعی نیز بر بی‌انضباطی مؤثر هستند.
۱۶	بیابانی علی‌آباد و همکاران (۱۳۹۵)	مقایسه میزان دلبستگی به والدین، همسالان و خواهران و برادران در نوجوانان درگیر (زورگو، قربانی و زورگو-قربانی) و غیر درگیر	۳۴۸ نفر	کمی	در میزان دلبستگی به والدین، همسالان و خواهران و برادران بین نوجوانان درگیر و غیردرگیر در زورگویی تفاوت معناداری وجود دارد. گروه غیردرگیر در مقایسه با گروه‌های درگیر، نمرات بالاتری را در میزان دلبستگی به والدین نسبت به گروه همسالان و خواهران و برادران به دست آوردند. همچنین در میان گروه‌های درگیر، گروه زورگو و زورگو-قربانی بعد از دلبستگی به مادر نمرات بالاتری را در میزان دلبستگی به همسالان کسب کردند. در نهایت، میزان دلبستگی به خواهران و برادران در همه گروه‌ها کمترین میزان نمرات دلبستگی را به خود اختصاص داد.
۱۷	اعظمی و همکاران (۱۳۹۵)	رابطه سبک‌های فرزندپروری والدین و همنشینی با همسالان بزهکار	۳۸۴	کمی	دو سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه و مقتدرانه درصد قابل توجهی از تغییرات گرایش به سمت مصرف مواد و الکل و گرایش به سمت درگیری و نزاع را تبیین می‌کنند. از این میان، سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه اثر مثبت و سبک مقتدرانه اثر منفی بر دو متغیر وابسته داشتند. در نهایت می‌توان گفت سبک فرزندپروری مستبدانه ارتباطی با هم‌نشینی با همسالان بزهکار ندارد و سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه موجب گرایش نوجوانان به همسالان بزهکار و مصرف مواد و الکل و نزاع و درگیری می‌شود و سبک فرزندپروری مقتدرانه مانع گرایش نوجوان به همسالان بزهکار می‌شود.

Bullying Behaviors Based on Parenting and Attachment Styles: A Review Study

۱۸	هود و همکاران (۲۰۱۷)	رابطه عزت نفس، همدلی و سبک‌های دلبستگی با قلدری	بررسی ۶۰ مقاله مروری	افرادی که همدلی و عزت نفس کمتری دارند رفتارهای قلدرانه بروز می‌دهند. همچنین سبک دلبستگی دوسوگرا باعث تشدید رفتارهای قلدرانه در افراد می‌شود.
۱۹	جئورجیو و همکاران (۲۰۱۷)	بررسی سبک‌های فرزندپروری و قلدری در مدرسه	۴۴۷ دانش‌آموز کمی	دانش‌آموزان قلدر دارای سبک فرزندپروری مستبدانه بودند. از سویی دیگر سبک مقتدرانه قلدری کمتری را برای دانش‌آموزان به همراه داشت.
۲۰	هاشمی و همکاران (۱۳۹۶)	بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی با خشم در دانش‌آموزان دختر: نقش میانجی خودکنترلی	۲۳۵ دانش‌آموز کمی	بین سبک‌های دلبستگی و خودکنترلی و خشم رابطه معنی‌داری وجود دارد. بین خودکنترلی و خشم رابطه مثبت معنی‌داری وجود دارد و خودکنترلی در رابطه بین سبک دلبستگی اضطرابی و وابسته با خشم نقش میانجی دارد.
۲۱	ولیزاده شفق و همکاران (۱۳۹۶)	نقش ابعاد شخصیتی و سبک‌های دلبستگی در پیش‌بینی رفتارهای سازگارانه نوجوانان زورگو	۱۷۰ نفر کمی	صداقت-تواضع، توافق، وظیفه‌شناسی، گشودگی به تجربه و دلبستگی ایمن با رفتارهای سازگارانه نوجوانان زورگو رابطه مثبت معنی‌دار دارند. برونگرایی و دلبستگی نایمن با رفتارهای سازگارانه نوجوانان زورگو رابطه منفی معنی‌دار دارند. بین هیجان‌پذیری و رفتارهای سازگارانه نوجوانان زورگو رابطه معنی‌داری مشاهده نگردید. نتایج نشان داد که ابعاد شخصیتی هگزاکو و سبک‌های دلبستگی، در صد قابل توجهی از واریانس رفتارهای سازگارانه نوجوانان زورگو را تبیین می‌کنند.
۲۲	کرزو و همکاران (۲۰۱۸)	ابعاد سبک‌های فرزندپروری، جو اجتماعی و قربانیان قلدری در مدرسه	۸۴۷ دانش‌آموز کمی	دانش‌آموزان توانایی درک انتظارات والدین را دارند و افرادی که توسط سبک مقتدرانه تربیت شدند کمتر قربانی رفتارهای قلدرانه می‌شوند.
۲۳	جئورجیو و همکاران (۲۰۱۸)	ارزش‌های فرهنگی به عنوان میانجی سبک فرزندپروری و رفتارهای قلدری	۹۸۵ دانش‌آموز کمی	فردگرایی عمودی با رفتارهای قلدری ارتباط مثبت داشت. در مقابل فردگرایی افقی رابطه منفی داشت. از سویی دیگر، سبک مقتدرانه باعث کاهش رفتارهای قلدرانه افراد می‌شد.
۲۴	چارالاموس و همکاران (۲۰۱۸)	تاثیر سبک فرزندپروری با قلدری: نقش میانجی دلبستگی	۸۶۱ دانش‌آموز کمی	این مطالعه به صورت طولی در سه مرتبه انجام گرفت. یافته‌های بدست آمده حاکی از نقش مهم والدین در رفتارهای قلدرانه و قربانی شدن داشت. به نظر می‌رسد هرچقدر سبک دلبستگی فرد نایمن باشد بیشتر در خطر قربانی شدن قرار می‌گیرد.
۲۵	ایگوندوناسی و انوزی (۲۰۱۸)	سبک‌های دلبستگی و ویژگی‌های شخصیتی در قلدری	۲۸۸ نوجوان کمی	نوجوانانی که سبک دلبستگی دوسوگرا داشتند بیشتر رفتارهای قلدرانه بروز می‌دادند. همچنین ویژگی شخصیتی روان‌رنجوری با قلدری ارتباط مثبت داشت.
۲۶	اصغرپور و همکاران (۱۳۹۷)	نقش میانجی پرخاشگری روانی والدین و تنبیه بدنی	۲۹۵ دختر و پسر کمی	پرخاشگری روانی والدین و تنبیه بدنی در رابطه بین سبک‌های والدگری با قلدری نوجوان تأثیر غیرمستقیم و نقش میانجی در رابطه بین سبک‌های والدگری پدر

و مادر با قلدری نوجوان دارد. سبک‌های تربیتی و والدگری والدین می‌تواند رفتارهای کودکان را تحت‌تأثیر قرار دهد.	در رابطه سبک‌های والدگری با قلدری		
فرزندپروری ادراک‌شده و اختلال شخصیت مرزی با میانجی‌گری همدلی‌قادرند در قالب روابط ساختاری تغییرات قلدری سایبری را به طور معنی‌داری تبیین کنند.	سبک‌های فرزند پروری ادراک شده و اختلال شخصیت مرزی در قلدری سایبری	۳۰۵ نفر	۲۷ اسماء پیل‌پور و همکاران (۱۳۹۷)
سبک فرزندپروری مقتدرانه به عنوان یک عامل محافظتی در برابر قلدری اینترنتی عمل می‌کند. در مقابل سبک مستبدانه باعث رفتارهای زورگویانه و قلدری در نوجوانان می‌شود.	سبک‌های فرزندپروری در قلدری اینترنتی	۱۱۰۹ دانش‌آموز	۲۸ مارتینز و همکاران (۲۰۱۹)
بین خودکارآمدی و دلبستگی ایمن با قلدری و قربانی شدن رابطه منفی و معنی‌داری وجود دارد. اما دلبستگی ناایمن اجتنابی و ناایمن دوسوگرا با قلدری و قربانی شدن رابطه مثبت و معنی‌داری داشتند.	نقش سبک‌های دلبستگی و خودکارآمدی در پیش‌بینی قلدری و قربانی شدن دانش‌آموزان	۳۳۰ دانش‌آموز (۱۳۴ پسر و ۱۹۶ دختر) از مدارس متوسطه شهر دهدش	۲۹ اکبری بلوطینگان و همکاران (۱۳۹۸)
سبک دلبستگی ایمن مؤلفه‌های راندگی خطرناک، خشونت، سیگار کشیدن و مصرف الکل رفتارهای پرخطر را به‌صورت منفی، سبک دلبستگی اجتنابی مؤلفه‌های مصرف مواد و دوستی با جنس مخالف و سبک دلبستگی دو سوگرا مؤلفه‌های دو ستی با جنس مخالف و رابطه و رفتار جنسی مورد پیش‌بینی قرار داده است.	نقش سبک‌های دلبستگی در رفتارهای پرخطر نوجوانان پسر	۲۴۷ دانش‌آموز	۳۰ رضایی جمالویی و همکاران (۱۳۹۸)
هوش هیجانی در رابطه بین فرزندپروری مستبدانه و قلدری دارای نقش واسطه‌ای جزئی و در رابطه بین فرزندپروری مقتدرانه و قلدری دارای نقش واسطه‌ای کامل است. نتیجه اینکه سبک‌های فرزندپروری و نوع نگرش والدین نسبت به رفتار کودکان، می‌تواند به شکل‌گیری تعارضات رفتاری بین فردی در کودکان به شکل قلدری، منجر شود. از سوی دیگر هوش هیجانی می‌تواند به مدیریت خشم، احساس مثبت در خویشستن و جرأت‌مندی در روابط بین‌فردی کمک کند.	نقش واسطه‌ای هوش هیجانی در رابطه بین سبک‌های فرزندپروری با قلدری	۴۸۴ دانش‌آموز	۳۱ دره و همکاران (۱۳۹۸)
پرخاشگری روانی والدین و تنبیه بدنی در رابطه میان سبک‌های فرزندپروری با قربانی قلدری شدن نوجوانان تاثیر غیرمستقیم و نقش میانجی دارند. همچنین یافته‌ها نشان دادند که سبک‌های فرزندپروری پدر و مادر با میانجیگری پرخاشگری روانی والدین و تنبیه بدنی، پیش‌بینی‌کننده قربانی قلدری شدن نوجوانان هستند. نتایج به‌دست آمده نقش میانجیگری	سبک‌های فرزندپروری و قربانی قلدری شدن نوجوانان با نقش میانجیگری پرخاشگری روانی والدین و تنبیه بدنی	۲۹۵ دانش‌آموز	۳۲ اصغرپور و همکاران (۱۳۹۸)

Bullying Behaviors Based on Parenting and Attachment Styles: A Review Study

پرخاشگری روانی والدین و تنبیه بدنی را در رابطه میان سبک‌های فرزندپروری با قربانی قلدری شدن نوجوانان تایید می‌کند و نشان می‌دهد که پرخاشگری روانی والدین و تنبیه بدنی خطر قربانی قلدری شدن نوجوانان را افزایش می‌دهد.	دانش‌آموزانی که فیلم‌های خشن مشاهده می‌کنند بیشتر قلدر هستند. در خانواده‌های طلاق و چندهمسری نیز رفتارهای قلدرانه بیشتر اتفاق می‌افتد. همچنین سبک مستبدانه منجر به افزایش رفتارهای پرخاشگرانه در نوجوان می‌شود.	۳۳	وکوما و اودوچوکو (۲۰۲۰)	نقش رفتارها و سبک‌های فرزندپروری بر روی رفتارهای قلدرانه دانش‌آموزان	۳۰۰ دانش‌آموز کمی
--	---	----	-------------------------	--	-------------------

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش مروری حاضر با هدف بررسی رفتارهای قلدرانه بر اساس سبک‌های فرزندپروری و دلبستگی انجام شد. بررسی‌های صورت گرفته حاکی از ارتباط سبک‌های فرزندپروری با رفتارهای قلدرانه داشت. نتایج مطالعات بررسی شده مشخص کرد والدینی که از سبک‌های فرزندپروری مستبدانه و سهل‌گیرانه استفاده می‌کنند موجب افزایش رفتارهای قلدرانه و قربانی شدن در فرزندان‌شان می‌شوند (جنوریو و همکاران، ۲۰۱۸؛ راجندران و همکاران، ۲۰۱۶؛ فوسیانی و همکاران، ۲۰۱۶؛ گومز-اورتینا و همکاران، ۲۰۱۵). از سویی دیگر، یافته‌های پژوهش‌های مرور شده نشان داد سبک‌های دلبستگی ارتباط قوی با ایجاد رفتارهای قلدرانه و ضداجتماعی در نوجوانی و بزرگسالی دارد. نتایج مطالعات حاکی از این واقعیت بود که سبک‌های دلبستگی نایمن اجتنابی و نایمن دوسوگرا منجر به ایجاد رفتارهای پرخاشگرانه و انتقام‌جویانه در بزرگسالی و نوجوانی می‌گردد. به عبارتی دیگر، فردی که در دوران کودکی توجه و محبت کمتری از والدین و به خصوص مادر خود دریافت می‌کند، خشم و نفرتی را در خود پرورش می‌دهد که ممکن است در نوجوانی یا بزرگسالی خود را به صورت رفتارهای قلدرانه و ضد اجتماعی نشان دهد (هود و همکاران، ۲۰۱۷؛ کوکینوس، ۲۰۱۳؛ ایگوندوناسی و انوزی، ۲۰۱۸).

والدین به عنوان اولین افرادی که کودک و نوجوان با آنها ارتباط برقرار می‌کند؛ نقش بسیار مهمی در شخصیت، نحوه ارتباط برقرار کردن با دیگران و بروز درست هیجانات فرد ایفا می‌کنند. اگر شرایط و فضای تربیتی خوبی در دوران کودکی و نوجوانی شکل نگیرد پیامدهای آن را باید در سال‌های آتی مشاهده کرد؛ به همین دلیل می‌توان اذعان داشت سبک‌های فرزندپروری والدین از مهمترین عوامل در رشد اجتماعی و روانی کودکان به حساب می‌آیند (کرزو و همکاران، ۲۰۱۸). در سبک فرزندپروری مستبدانه کودک محبت و توجه کمی از سمت والدین خود دریافت می‌کند و در دوران کودکی خود دائماً پرخاشگری، تنبیه و سرزنش بیشتری نسبت به سایر همسالان‌شان تجربه نمایند. کودکان به علت ارضاء نشدن نیاز عاطفی، افزون بر پایین بودن خلاقیت و عزت نفس دچار خشم و نفرت قابل توجهی خواهند شد (اصغرپور و زربخش بحری، ۱۳۹۸). به عبارتی دیگر، افرادی که در کودکی خشونت زیادی را متحمل شدند و دائماً به آنها زور گفته شده سعی می‌کنند در بزرگسالی این رفتارها را بر روی دیگران و جامعه جبران نمایند که می‌تواند به صورت رفتارهای قلدرانه گوناگون مانند بزهکاری، دزدی، فحاشی و کتک زدن باشد (گومز-اورتینا و همکاران، ۲۰۱۵). در سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه نیز اگر روابط بین والد و کودک کیفیت نامطلوبی پیدا کند، والدین از شیوه‌های نادرست انضباطی بهره ببرند، نظارت بی‌ثباتی داشته باشند و نسبت به رفتارهای کودک بی‌توجهی و غفلت نشان دهند باعث ایجاد رفتارهای هنجارشکنانه و ضداجتماعی در نوجوان می‌شود (چارالاموس و همکاران، ۲۰۱۸). در واقع این افراد که در کودکی هیچ محدودیت رفتاری به خصوصاً تجربه نکردند و هرکاری که دوست داشت انجام دادند، با ورود به اجتماع و بزرگسالی تحمل شنیدن نه را ندارند و دست به هرکاری می‌زنند تا خواسته‌هایشان عملی گردد؛ همین باعث شکل‌گیری رفتارهای قلدرانه در آنها می‌گردد (جنوریو و همکاران، ۲۰۱۸).

یکی از عوامل مهم و مؤثر بر احتمال بروز رفتارهای قلدرانه و شدت آن، میزان و چگونگی رشد دلبستگی در نوجوان است. بالبی معتقد است مورد بی‌اعتنایی و بی‌علاقگی چهره دلبستگی واقع شدن و طرد شدن، سبب می‌شود پرخاشگری شدید ابتدا به سمت فرد دلبسته متمایل شده و سپس، گرایش به پرخاشگری قلدری سرکوب شود؛ و در نهایت به سمت افراد دیگر تغییر جهت دهد. اگر روابط

عاطفی با والدین به خوبی پیش نرود در کودک حس امنیت ایجاد نمی‌شود و اگر مورد تهدید قرار گیرد، واکنش‌های هیجانی نامناسب مانند رفتارهای قلدرانه و پرخاشگری ایجاد می‌گردد (هود و همکاران، ۲۰۱۷). بررسی‌های صورت گرفته نشان داده است که سبک‌های دلبستگی افراد این توانایی را دارند که سطوح تنش و ناتوانی را در شرایط دشوار تعدیل نموده و اثرات منفی استرس را کمتر جلوه دهند (ایگوندوناسی و انوزی، ۲۰۱۸). در سبک دلبستگی ایمن رابطه پایدار و قابل اعتمادی بین مراقب و کودک وجود دارد. ولی مراقب اصلی یا مادر درباره تجارب کودکان به جای استنتاج احساسات مختلف در گزارش کودک، به حمایت و همدردی پرداخته و موضوع را بسط نمی‌دهند. همچنین سبک کلامی مادر در دلبستگی ایمن بیشتر بر احساسات مثبت و تجارب خوشایند است و کمتر درباره درک احساسات منفی و متضاد حرف می‌زنند؛ بنابراین سبک گفتگوی مادر و فرزند می‌تواند بسیار متفاوت باشد و در نتیجه بر هیجانات کودک تاثیر متفاوتی برجای بگذارد (رضایی جمالویی، حسنی و نورمحمدی، ۱۳۹۸). در واقع می‌توان گفت، دلبستگی ایمن، عملکرد و شایستگی را در روابط بین فردی ایجاد می‌کند و موجب ارتقاء رفتار اجتماعی و گسترش سلامت روانی افراد می‌شود. نوجوانان با دلبستگی ایمن، سطح بالاتری از اعتماد و رضایت و سطح کمتری از مشکلات را تجربه می‌کنند (واندروایت، ۲۰۱۴). در سبک دلبستگی دو سوگرا که با عدم تعادل در احساسات و تعارضات بالاتر شناخته می‌شوند، کودک پاسخدهی پهنه و منسجمی را از مراقب اولیه خود دریافت نمی‌کند که همین مانع تحول مهارت‌های موثر تنظیم هیجان و شناخت‌ها در کودک و نوجوان می‌گردد؛ نتیجه آن بروز رفتارهای قلدرانه و ضداجتماعی است (نیکر سون و همکاران، ۲۰۰۸). همچنین افراد با سبک دلبستگی اجتنابی با رضایت و صمیمیت کمتر و تعارضات بیشتر در جامعه شناخته می‌شوند (کوکینوس، ۲۰۱۳). می‌توان انتظار داشت سبک دلبستگی اجتنابی در دوران کودکی، با خطر بالای مشکلات رفتاری- اجتماعی و هیجانی به خصوص رفتارهای قلدرانه در نوجوانان همراه باشد (بیابانی علی‌آباد، اسدی و برزگر بغروی، ۱۳۹۵).

در مجموع، نتایج پژوهش‌های بررسی شده حاکی از نقش سبک‌های فرزندپروری و دلبستگی در بروز رفتارهای قلدرانه داشت. براین اساس مشخص گردید نوجوانانی که دارای سبک دلبستگی ناایمن اجتنابی و ناایمن دوسوگرا بودند، رفتارهای قلدرانه بیشتری از خود نشان می‌دادند. همچنین سبک فرزندپروری مستبدانه و سهل‌گیرانه یکی از عوامل مهم ایجاد رفتارهای قلدرانه نوجوانان شناخته شد. بدین منظور لازم است والدین از کودکی بر روی تربیت و نوع دلبستگی فرزندانشان توجه ویژه‌ای داشته باشند تا در آینده شاهد افزایش رفتارهای قلدرانه در جامعه نباشیم. از جمله محدودیت‌های مطالعه مروری حاضر می‌توان به در دسترس نبودن متن کامل برخی مقالات که منجر به عدم ورود این مقالات به روند بررسی شد، اشاره کرد. همچنین به علت فیلتر بودن برخی پایگاه‌های علمی پژوهشگران نتوانستند به آنها دسترسی داشته باشند. علاوه بر این برخی مطالعات انجام شده جنبه توصیفی داشتند و می‌بایست در تعمیم دادن نتایج آنها احتیاط کرد.

تضاد منافع: پژوهش حاضر بدون هیچگونه حمایت مالی از جانب سازمان خاصی صورت گرفته است و نتایج آن برای نویسندگان هیچگونه تضاد منافی ندارد.

منابع

- اعظمی، ک؛ قادری ثانوی، ر؛ فتحی، م؛ رفیعی، ح؛ و قائد امینی هارونی، غ. (۱۳۹۵). رابطه سبک‌های فرزندپروری والدین و هم نشینی با همسالان بزهکار. *دوفصلنامه مسائل اجتماعی ایران*، ۱۷(۱)، ۷۷-۵۷.
- اصغرپور، ز؛ و زربخش بحری، م. (۱۳۹۷). نقش میانجی پرخاشگری روانی والدین و تنبیه بدنی در رابطه سبک های والدگری با قلدری. *فصلنامه سلامت روان کودک*، ۱۵(۱)، ۶۸-۷۹.
- اکبری بلوطبنگان، ا؛ نیکدل، ف؛ ملتفت، ق؛ عبدپور، ف؛ و کوهی سوق، س. (۱۳۹۸). نقش سبک‌های دلبستگی و خودکارآمدی در پیش‌بینی قلدری و قربانی شدن دانش‌آموزان مدارس متوسطه. *رویش روان‌شناسی*، ۱۰(۵)، ۸۵-۹۲.
- اسماعیل‌پور، ف؛ هاشمی، ت؛ و بدری گرگری، ر. (۱۳۹۷). نقش سبک های فرزندپروری ادراک شده و اختلال شخصیت مرزی در قلدری سایبری: نقش میانجی همدلی. *مجله روانشناسی و روانپزشکی شناخت*، ۱۵(۲)، ۸۱-۹۲.
- اصغرپور، ز؛ و زربخش بحری، م. (۱۳۹۸). رابطه میان سبک‌های فرزندپروری و قربانی قلدری شدن نوجوانان با نقش میانجیگری پرخاشگری روانی والدین و تنبیه بدنی. *فصلنامه علمی- پژوهشی خانواده و پژوهش*، ۱۶(۲)، ۴۶-۲۷.

Bullying Behaviors Based on Parenting and Attachment Styles: A Review Study

بابایی، ا؛ فتحی، ک؛ و بابایی، ع. (۱۳۹۲). بررسی شیوه‌های فرزندپروری، سبک‌های دلبستگی و ساختار تعاملات خانواده به عنوان پیش‌بین‌های بزهکاری در نوجوانان پسر شهرستان ساری. فصلنامه علمی- پژوهشی خانواده و پژوهش، ۱۰(۱)، ۶۹-۹۰.

بیرامی، م؛ و علائی، پ. (۱۳۹۲). قلدری در مدارس راهنمایی دخترانه: نقش شیوه‌های فرزندپروری و ادراک از محیط عاطفی خانواده. روان‌شناسی مدرسه، ۳(۳)، ۳۸-۵۶.

بیابانی علی آباد، ح؛ اسعدی، س؛ و برزگر بغروی، ک. (۱۳۹۵). مقایسه میزان دلبستگی به والدین، همسالان و خواهران و برادران در نوجوانان درگیر و غیر درگیر در پدیده زورگویی. خانواده پژوهی، ۱۲(۳)، ۳۶۹-۳۹۰.

دره، ا؛ بنی‌جمالی، ش.س؛ و احدی، ح. (۱۳۹۸). نقش واسطه‌ای هوش هیجانی در رابطه سبک‌های فرزندپروری و قلدری. مطالعات روانشناختی، ۱۵(۱)، ۲۲-۷.

دری، ر؛ کاظمی، س؛ و اعتمادی، ز. (۱۳۹۵). بررسی سبک‌ها و ابعاد دلبستگی بزرگسال و شدت خشم در نوجوانان قلدر و مقایسه آن با نوجوانان قربانی. فصلنامه پژوهش‌های کاربردی در روان‌شناسی تربیتی، ۲(۳)، ۱-۱۰.

رضایی جمالی، ح؛ حسینی، ج؛ و نورمحمدی، م. (۱۳۹۸). نقش سبک‌های دلبستگی در رفتارهای پرخطر نوجوانان پسر مقطع متوسطه دوم. دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی، ۲۰(۱)، ۱۱۲-۱۲۱.

فرزادی، ف؛ بهروزی، ن؛ و شهینی بیلاق، م. (۱۳۹۵). رابطه علی بین شیوه‌های فرزندپروری، سبک‌های دلبستگی و بی‌انضباطی با میانجی‌گری خودتنظیمی هیجانی، مهارت‌های اجتماعی و نظریه ذهن. دوفصلنامه روانشناسی خانواده، ۳(۲)، ۳-۱۶.

گل‌پرور، م؛ و خبازیان، ب. (۱۳۹۴). رابطه شخصیت خودشیفته و دلبستگی آسیب‌پذیر با قلدری (زورگویی) و سرمایه روان‌شناختی. روانشناسی بالینی و شخصیت، ۱۳(۲)، ۱۳۹-۱۴۸.

ولیزاده شفق، ش؛ آزادمراد، ش؛ ابوالقاسمی، ع؛ و حاجیلو، ج. (۱۳۹۶). نقش ابعاد شخصیتی و سبک‌های دلبستگی در پیش‌بینی رفتارهای سازگارانه نوجوانان زورگو. روان‌شناسی مدرسه، ۶(۳)، ۱۳۶-۱۵۳.

هاشمی، ر؛ محمدزاده، ج.ش؛ و حاطفی، م. (۱۳۹۶). بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی با خشم در دانش‌آموزان دختر: نقش میانجی خودکنترلی. مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی ایلام، ۲۵(۵)، ۱۷۹-۱۷۰.

Aslan, S. (2011). The analysis of relationship between school bullying, perceived parenting styles and self-esteem in adolescents. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 30, 1798-1800.

Baumrind, D. (1991). Parenting styles and adolescent development. In J. Brooks-Gunn, R. Lerner, & A. Petersen (Eds.), *The encyclopedia of adolescence* (pp. 746-758). New York, NY: Garland.

Bowlby, J. (1979). The Bowlby-Ainsworth attachment theory. *Behavioral and Brain Sciences*, 2(4), 637-638.

Cerezo, F., Ruiz-Esteban, C., Lacasa, C. S., & Gonzalo, J. J. A. (2018). Dimensions of parenting styles, social climate, and bullying victims in primary and secondary education. *Psicothema*, 30(1), 59-65.

Charalampous, K., Demetriou, C., Tricha, L., Ioannou, M., Georgiou, S., Nikiforou, M., & Stavrinides, P. (2018). The effect of parental style on bullying and cyber bullying behaviors and the mediating role of peer attachment relationships: A longitudinal study. *Journal of adolescence*, 64, 109-123.

Elgar, F. J., McKinnon, B., Walsh, S. D., Freeman, J., Donnelly, P. D., de Matos, M. G., ... & Currie, C. (2015). Structural determinants of youth bullying and fighting in 79 countries. *Journal of Adolescent Health*, 57(6), 643-650.

Fousiani, K., Dimitropoulou, P., Michaelides, M. P., & Van Petegem, S. (2016). Perceived parenting and adolescent cyberbullying: Examining the intervening role of autonomy and relatedness need satisfaction, empathic concern and recognition of humanness. *Journal of child and family studies*, 25(7), 2120-2129.

Gifford, W., Davies, B., Edwards, N., Griffin, P., & Lybanon, V. (2007). Managerial leadership for nurses' use of research evidence: an integrative review of the literature. *Worldviews on Evidence-Based Nursing*, 4(3), 126-145.

Georgiou, S. N., Ioannou, M., & Stavrinides, P. (2017). Parenting styles and bullying at school: The mediating role of locus of control. *International Journal of School & Educational Psychology*, 5(4), 226-242.

Georgiou, S. N., Ioannou, M., & Stavrinides, P. (2018). Cultural values as mediators between parenting styles and bullying behavior at school. *Social psychology of education*, 21(1), 27-50.

Gómez-Ortiz, O., Romera, E. M., & Ortega-Ruiz, R. (2016). Parenting styles and bullying. The mediating role of parental psychological aggression and physical punishment. *Child abuse & neglect*, 51, 132-143.

Gómez-Ortiz, O., Del Rey, R., Casas, J. A., & Ortega-Ruiz, R. (2014). Parenting styles and bullying involvement/Estilos parentales e implicación en bullying. *Cultura y Educación*, 26(1), 132-158.

Hassan, N. C., & Ee, S. H. (2015). Relationship between bully's behaviour and parenting styles amongst elementary school students. *International Journal of Education and Training*, 1(1), 1-12.

Hood, J. N., Jacobson, R. P., & Jacobson, K. J. (2017). The Impact of Self-Esteem and Empathy on the Relationship between Workplace Bullying and Attachment Style. *Review of Integrative Business and Economics Research*, 6(4), 104.

Igundunasse, A., & Anozie, O. K. (2018). Attachment Style and Personality Traits as Correlates of Bullying among Teenagers in Some Secondary School Settings in Lagos, Nigeria. *Ife Social Sciences Review*, 26(1), 74-84.

- Kokkinos, C. M. (2013). Bullying and victimization in early adolescence: Associations with attachment style and perceived parenting. *Journal of School Violence, 12*(2), 174-192.
- Lereya, S. T., Samara, M., & Wolke, D. (2013). Parenting behavior and the risk of becoming a victim and a bully/victim: A meta-analysis study. *Child abuse & neglect, 37*(12), 1091-1108.
- Martínez, I., Murgui, S., García, O. F., & García, F. (2019). Parenting in the digital era: Protective and risk parenting styles for traditional bullying and cyberbullying victimization. *Computers in Human Behavior, 90*, 84-92.
- Malecki, C. K., Demaray, M. K., Smith, T. J., & Emmons, J. (2020). Disability, poverty, and other risk factors associated with involvement in bullying behaviors. *Journal of school psychology, 78*, 115-132.
- Marengo, D., Fabris, M. A., Prino, L. E., Settanni, M., & Longobardi, C. (2021). Student-teacher conflict moderates the link between students' social status in the classroom and involvement in bullying behaviors and exposure to peer victimization. *Journal of Adolescence, 87*, 86-97.
- Maunder, R. E., & Crafter, S. (2018). School bullying from a sociocultural perspective. *Aggression and violent behavior, 38*, 13-20.
- Moore, S. E., Norman, R. E., Suetani, S., Thomas, H. J., Sly, P. D., & Scott, J. G. (2017). Consequences of bullying victimization in childhood and adolescence: A systematic review and meta-analysis. *World journal of psychiatry, 7*(1), 60-76.
- Maunder, R., Harrop, A., Tattersal, A. (2010). Pupil and staff perceptions of bullying in secondary schools: Comparing behavioural definitions and their perceived seriousness. *Educational Research, 52*(3), 263-282.
- Nickerson, A. B., Mele, D., & Princiotta, D. (2008). Attachment and empathy as predictors of roles as defenders or outsiders in bullying interactions. *Journal of school psychology, 46*(6), 687-703.
- Rajendran, K., Kruszewski, E., & Halperin, J. M. (2016). Parenting style influences bullying: a longitudinal study comparing children with and without behavioral problems. *Journal of child psychology and psychiatry, 57*(2), 188-195.
- Rigby, K. (2013). Bullying in schools and its relation to parenting and family life. *Family matters, (92)*, 61-67.
- Rodkin, P. C., Espelage, D. L., & Hanish, L. D. (2015). A relational framework for understanding bullying: developmental antecedents and outcomes. *American Psychologist, 70*(4), 311-321.
- Rigby, K., & Smith, P. K. (2011). Is school bullying really on the rise?. *Social Psychology of Education, 14*(4), 441-455.
- Salmon, S., Turner, S., Taillieu, T., Fortier, J., & Afifi, T. O. (2018). Bullying victimization experiences among middle and high school adolescents: Traditional bullying, discriminatory harassment, and cybervictimization. *Journal of Adolescence, 63*, 29-40.
- van der Watt, R. (2014). Attachment, parenting styles and bullying during pubertal years. *Journal of Child & Adolescent Mental Health, 26*(3), 251-261.
- Volk, A. A., Schiralli, K., Xia, X., Zhao, J., & Dane, A. V. (2018). Adolescent bullying and personality: A cross-cultural approach. *Personality and Individual Differences, 125*, 126-132.
- Volk, A. A., Dane, A. V., & Marini, Z. A. (2014). What is bullying? A theoretical redefinition. *Developmental Review, 34*(4), 327-343.
- Volk, A. A., Veenstra, R., & Espelage, D. L. (2017). So you want to study bullying? Recommendations to enhance the validity, transparency, and compatibility of bullying research. *Aggression and violent behavior, 36*, 34-43.
- Walters, G. D., & Espelage, D. L. (2018). From victim to victimizer: Hostility, anger, and depression as mediators of the bullying victimization-bullying perpetration association. *Journal of school psychology, 68*, 73-83.
- Wokoma, I. P., & Udochukwu, N. G. (2020). The Influence of Parenting Styles on Bullying Behavior Among Students of Secondary Age in Ikwerre Local Government Area. *International Journal on Integrated Education, 3*(2), 99-114.
- Wang, G. F., Han, A. Z., Zhang, G. B., Xu, N., Xie, G. D., Chen, L. R., ... & Su, P. Y. (2020). Sensitive periods for the effect of bullying victimization on suicidal behaviors among university students in China: the roles of timing and chronicity. *Journal of affective disorders, 268*, 12-19.

Bullying Behaviors Based on Parenting and Attachment Styles: A Review Study